

پیامدهای تحکیم بنیاد خانواده در فرآیند جهانی شدن

مریم ویسی^۱، فرحناز قاسمی^۲

چکیده

خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی از ابتدای تاریخ تاکنون، در اسلام قداست و منزلت ویژه‌ای دارد. در عصر حاضر، جهانی‌شدن به عنوان یک فرآیند پیچیده و چندوجهی، ابعاد مختلف زندگی بشر، به ویژه نهاد خانواده را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. تحکیم بنیاد خانواده نه تنها یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی است، بلکه استراتژی مهمی برای مقابله با چالش‌های جهانی‌شدن و بهره‌مندی از فرصت‌های آن به شمار می‌آید. جوامعی که به تحکیم بنیاد خانواده اهمیت می‌دهند، می‌توانند در فرآیند جهانی‌شدن موفق‌تر عمل کنند؛ زیرا این تحکیم می‌تواند به عنوان یک راهکار برای مقابله با چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن، نظیر فردگرایی، کمرنگ‌شدن ارزش‌های سنتی و تضعیف پیوندهای اجتماعی تلقی شود. مسأله اصلی در این مقاله پیامدهای تحکیم بنیاد خانواده در فرآیند جهانی‌شدن است که به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. مهم‌ترین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از جمله آثار مثبت تحکیم بنیاد خانواده می‌توان به تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر، توجه به تعادل بین زندگی شخصی و حرفه‌ای و تقویت ارتباط خانوادگی اشاره کرد. همچنین، از مهم‌ترین آثار منفی آن می‌توان به افزایش طلاق، خانواده‌های تک‌والدی، ازدواج‌های بین‌فرهنگی و تضعیف نقش والدین اشاره نمود.

واژگان کلیدی: تحکیم خانواده، پیامدهای اجتماعی، جهانی‌شدن، آثار مثبت و منفی، نهاد خانواده.

۱. فارغ التحصیل سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآن؛ جامعه الزهراء (س)؛ استاد حوزه علمیه خواهران ایلام؛ Weisi287@gmail.com.

۲. فارغ التحصیل سطح سه رشته فقه و اصول؛ استاد حوزه علمیه خواهران ایلام.

مقدمه

خانواده را می‌توان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی از ابتدای تاریخ تاکنون دانست که بنیان شکل‌گیری جوامع پیشرفته و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بوده است. اسلام برای خانواده قداست و منزلت خاصی قائل شده است؛ به‌گونه‌ای که هیچ بنا و نهادی قابل مقایسه با آن نیست. بر اساس متون اسلامی، خداوند از ابتدای حیات بشر پیامبرانی را از میان انسان‌ها برای هدایت آنان برگزیده تا به تدریج آداب زندگی اجتماعی مطلوب و تشکیل خانواده را به آن‌ها بیاموزند. اختصاص یک سوره مستقل به نام «طلاق» نشان‌دهنده اهمیت موضوع خانواده است. قرآن کریم از پیوند ازدواج به‌عنوان «پیمان محکم» یاد کرده (نساء: ۲۱) و خانواده را «نعمت الهی» نامیده است (نحل: ۷۲). همچنین، رسول گرامی اسلام خانواده را محبوب‌ترین و عزیزترین بنا نزد خدای متعال توصیف کرده و فرموده است: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۵۳).

در عصر حاضر، جهانی‌شدن به‌عنوان یک فرآیند پیچیده و چندوجهی، ابعاد مختلف زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. این فرآیند با ایجاد پیوندها و تعاملات گسترده بین جوامع مختلف، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را پیش روی افراد، خانواده‌ها و دولت‌ها قرار می‌دهد. یکی از حوزه‌هایی که به‌شدت تحت تأثیر جهانی‌شدن قرار گرفته، نهاد خانواده است. تحکیم بنیاد خانواده در مواجهه با چالش‌های جهانی‌شدن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که این تحکیم می‌تواند به‌عنوان یک راهکار برای مقابله با چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن، مانند فردگرایی، کمرنگ‌شدن ارزش‌های سنتی و تضعیف پیوندهای اجتماعی تلقی شود.

توجه به پیامدهای تحکیم بنیاد خانواده می‌تواند به شناخت و ایجاد برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی در این زمینه کمک کند؛ چرا که تفکر و اندیشه غرب با ابزارهای مختلف رسانه‌ای در حال ترویج است. همچنین، تحکیم بنیاد خانواده می‌تواند به‌عنوان یک سپر محافظ در برابر تهدیدات عمل کرده و به حفظ هویت فرهنگی و ارزش‌های اسلامی کمک کند. از این رو، ضروری است که به این معضل توجه نموده و با ریشه‌یابی درست آن‌ها به فکر چاره‌جویی باشیم.

درباره تحکیم بنیاد خانواده، کتب و مقالات متعددی نگاشته شده است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کتاب «تحکیم بنیاد خانواده از نگاه قرآن و حدیث» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷) اشاره کرد که در آن عوامل تحکیم خانواده از آیات و روایات بررسی شده است. همچنین، مقاله «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی» (حسینی، اکرم، ۱۳۸۳) به بررسی

انگیزه‌ها و عوامل مؤثر بر تحکیم روابط خانوادگی و اصول تحکیم خانواده در قرآن پرداخته است. مقاله «نقش زن در تحکیم بنیان خانواده» (حسن‌زاده، محمدجواد، ۱۴۰۰) نیز به بررسی نقش زن در تحکیم پایه‌های خانواده پرداخته است. همچنین، مقاله «بررسی راهکارهای تحکیم نهاد خانواده از منظر اسلام» (بهلکه جمال‌الدین و برهانی علی‌نژاد یونس، ۱۴۰۱) به مهم‌ترین عوامل تحکیم بنیان خانواده و نقش زن و مرد در این فرآیند پرداخته است.

مقاله «راه‌های تحکیم بنیاد خانواده در فرآیند جهانی شدن» نوشته محمدرضا سالاری‌فرد به صورت همه‌جانبه به بررسی ویژگی‌های جهانی‌شدن و پیامدهای آن و همچنین راهکارهای تقویت نهاد خانواده می‌پردازد. اما این پژوهش تلاشی است برای شناسایی آثار مثبت و منفی فرآیند جهانی‌شدن در تحکیم بنیاد خانواده. البته پیامدهای تحکیم بنیاد خانواده موضوعی بسیار گسترده است؛ چرا که تحکیم بنیاد خانواده کارکردهای متعددی دارد، از جمله: کارکردهای جسمی و روانی، کارکردهای جنسی، کارکردهای اقتصادی، کارکردهای تربیتی و جامعه‌پذیری. در این مقاله به بررسی مهم‌ترین آثار مثبت و منفی تحکیم بنیاد خانواده در فرآیند جهانی‌شدن خواهیم پرداخت. این تلاش زمانی کامل می‌شود که در کنار آثار مثبت و منفی تحکیم بنیاد خانواده در فرآیند جهانی، گام‌های بزرگتری برای تبیین آثار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تحکیم بنیاد خانواده برداشته شود.

۱. مفهوم‌شناسی

پیامد: کلمه «پیامد» در زبان فارسی به معنای نتیجه یا عواقب یک عمل یا پدیده به کار می‌رود. پیامد می‌تواند با کلمات دیگری ترکیب شود و معانی جدیدی ایجاد کند، مانند: پیامدهای اجتماعی، پیامدهای اقتصادی، و پیامدهای منفی یا مثبت (لام تا کام). در این نوشتار، مراد از آن پیامدهای مثبت و منفی است.

تحکیم: حَکَم، اصله: مَنَعَ منعاً لإصلاح. اصل حَکَم به معنای منع و بازداشتن برای اصلاح است و لگام و دهانه حیوان را نیز حکمة نامیده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۸). کلمات مترادف: استحکام، استقرار، استواری، برقراری، تثبیت، و تقویت. کلمات متضاد: تضعیف. معادل آن در عربی: مَنَعَ. تحکیم در اصطلاح به معنای قوی بودن، استوار ماندن، تقویت شدن و خلل‌ناپذیری آمده است که از ریشه «حَکَم» به معنای «منع» بوده و به معنای بازداشتن و جلوگیری از هرگونه اختلال‌گری و تباهی اشاره دارد.

خانواده: در لغت به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۴۳) و به قدری معروف است که نیاز به تعریف ندارد. با این حال، شاید تصور همه از آن یکسان نباشد و برخی توصیف آن را کار مشکلی دانسته‌اند. طبق نظر اکثریت مردم، خانواده به منزله یک واحد اجتماعی است که شامل یک زوج متأهل و فرزندان‌شان است که در خانه‌ای در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۷۷). خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده‌اند و کارکرد اجتماعی اصلی آن‌ها تولید مثل است (ساروخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵). مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضا است (بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸).

فرآیند جهانی‌شدن: جهانی‌شدن در زبان فارسی معادل «Globalization» در انگلیسی است و در زبان عربی نیز معادل «العولمه» و «الکوکبه» ترجمه شده است. این واژه که در دهه ۱۹۹۰ میلادی رایج شد، یکی از مناقشه‌آمیزترین موضوعات در علوم اجتماعی است که هنوز تعریف جامع و فراگیری از آن ارائه نشده است. اما در مفهوم عام، جهانی‌شدن از سویی معادل با واژه بین‌المللی به کار می‌رود که عبارت است از افزایش تعامل‌ها و وابستگی‌های بین مردم کشورهای مختلف (میرمحمدی، ۱۳۸۱، ص ۳).

پیامدهای جهانی‌شدن بر خانواده
أ. حیطه فرهنگی

جهانی‌شدن که با افزایش تعاملات و ارتباط بین فرهنگ‌ها مشخص می‌شود، تأثیرات گسترده‌ای بر ساختار خانواده، ارزش‌ها و شیوه‌های فرهنگی دارد از جمله:

۱- تغییر نقش‌ها و پویایی‌های خانوادگی
جهانی‌شدن می‌تواند اغلب منجر به تغییر در نقش‌های سنتی جنسیتی و پویایی‌های قدرت در خانواده‌ها شود به عنوان مثال، ازدیاد فرصت‌های آموزشی و شغلی برای زنان می‌تواند منجر به خودمختاری مالی بیشتر و تغییر در نقش‌های سنتی آنها در خانواده گردد.

۲- ترویج فردگرایی
جهانی‌شدن می‌تواند ارزش‌های فردگرایانه را ترویج دهد، که در آن رفاه خانواده بر خواسته‌های فردی اولویت دارد. این امر می‌تواند منجر به تنش بین نسل‌ها و تغییر در ارزش‌های خانوادگی شود.

۳- تضعیف فرهنگ بومی
از طریق ازدواج‌های بین فرهنگی و مهاجرت، جهانی‌شدن می‌تواند تنوع فرهنگی را در خانواده‌ها افزایش دهد. این امر می‌تواند منجر به خانواده‌هایی با پیشینه‌های

فرهنگی و زبانی متنوع شود، که ممکن است با چالش هایی در حفظ هویت فرهنگی خود مواجه شوند در حالی که فرهنگ جدید خود را در بر می گیرند.

ب. حیطه اجتماعی
جهانی شدن می تواند تأثیرات اجتماعی گسترده ای بر خانواده ها در سراسر جهان داشته باشد از جمله مهمترین آنها:

۱- افزایش مهاجرت: این امر موجب ایجاد خانواده های مهاجر شده است که اغلب با چالش های متعددی از جمله سازگاری با فرهنگ جدید، یادگیری زبان جدید و حفظ ارتباط با خانواده و دوستان در کشور مبدأ روبرو هستند.

۲- تغییر ساختار خانواده: جهانی شدن می تواند باعث افزایش خانواده های تک والد و یا خانواده هایی که هر دو والد شاغل هستند، گردد.

۳- تغییر ارزش های خانوادگی: به عنوان مثال ممکن است ارزش های فردگرایانه در خانواده ها مهمتر شوند؛ اما ارزشهای سنتی مانند احترام به بزرگترها و وفاداری کمرنگ شوند.

ج. حیطه اقتصادی
ورود زنان به بازار کار هرچند که منابع اقتصادی خانواده را متعدد کرده، اما مسئولیت های خانوادگی آنها را کم اهمیت کرده است. چرا که از عوامل افزایش طلاق، استقلال اقتصادی زنان می باشد چنانکه پژوهش ها درخواست طلاق از سوی زنان شاغل را بسیار بیشتر از درخواست طلاق از سوی زنان غیر شاغل نشان می دهد. (سالاری فرد، ۱۳۸۵، ص ۱۹) اثر مهم استقلال زنان بر روابط خانواده تنازع قدرت بین زن و مرد در خانواده است که به طور معمول به تقسیم معمول قدرت منجر نمی شود.

آثار جهانی شدن در خانواده اگر منجر به شیوه توزیع قدرت عادلانه در خانواده ها نگردد، باعث گسترش اختلافات، تضعیف روابط و گسست خانواده خواهد بود. (همان)

۱.۱. آثار مثبت تحکیم بنیاد خانواده

۱.۱.۱. شاخص های تحکیم بنیاد خانواده

حاصل یک نظام اطلاعاتی مطلوب، شاخص هایی هستند که هم می توانند پایه و اساس تصمیم گیری و برنامه ریزی قرار گیرند و هم عملکرد را مورد ارزیابی قرار دهند. اگر هر یک از اعضای خانواده با شاخص های تعالی خانواده و انجام تکالیف مورد نظر قرآن آشنا باشند و آنها را در زندگی به کار گیرند، می تواند تضمینی برای تعالی و پایداری جامعه باشد. قرآن کریم به بررسی شاخص های درونی تحکیم خانواده پرداخته که نقش مؤثری در سبک زندگی اسلامی ایفا می کند.

به طور کلی تحکیم بنیاد خانواده، در عصر جهانی شدن، به معنای تقویت و حفظ ارزشها و اصول دینی در برابر تأثیرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از جهانی شدن است.

۲.۱.۱. تحکیم آموزه‌های اسلامی

برخورداری همسران از باورهای دینی و اعتقادی در تحکیم خانواده تأثیر اساسی دارد. بیگانگی و بی‌توجهی آن‌ها به اعتقادات و باورهای مذهبی، باعث بروز مشکلات جدی در زندگی خواهد شد. قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس از یاد و ذکر من رویگردان شود، در زندگی سختی قرار خواهد گرفت» (طه: ۱۲۴). پر واضح است که ذکر و یاد خداوند از باور و اعتقاد درونی به خالق هستی و ایمان به توحید برمی‌خیزد. توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدفدار و معنادار باشد و در رفتارها با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به‌سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد.

در کلام معصومین علیهم‌السلام آمده است که: «هر مردی که بر بد اخلاقی همسرش برای خدا صبر و شکیبایی کند، خداوند بزرگ برای هر بار صبر او، پاداشی همانند و همسنگ پاداش صبر ایوب در برابر بلای او به وی خواهد داد و هر زنی که در برابر بد اخلاقی شوهرش صبر و شکیبایی ورزد، خداوند همانند (ثواب) آسیه (همسر فرعون) به او عطا خواهد کرد» (حر عاملی، ۱۳۸۶ج ۱۱، ص ۳۷ و مجلسی ۱۴۰۳، ج ۳۰، ص ۲۴۷). وجود چنین احادیثی و اعتقاد به آن‌ها، اعضای خانواده را از رفتارهای نامناسب باز می‌دارد.

۳.۱.۱. تأکید به تحکیم بنیاد خانواده

قرآن کریم، به‌عنوان برترین نسخه‌ی زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخش عظیمی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده است. تأکیدات اخلاقی و سفارشات حقوقی کتاب مقدس قرآن و روایات گران‌قدر ائمه طاهرین (علیه السلام)، برای تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، بیش از جوانب دیگر حیات بشری است. قرآن خانواده را نظامی جامع و در مسیر کمال می‌بیند و بالقوه آن را یک مجموعه‌ی متعالی برای تأمین اهدافی مقدس می‌داند و برای به فضیلت رساندن آن برنامه‌ریزی می‌کند. همچنین، جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با این ویژگی تعیین می‌نماید. آیه ذیل به این مطلب اشاره دارد:

«و کسانی که می‌گویند: پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه‌ی روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان» (فرقان/۷۴).

خداوند در سوره فرقان، دوازده ویژگی برای عباد الرحمن نام می‌برد. در یازدهمین ویژگی، به توجه خاص مؤمنین به

خانواده و فرزندان اشاره می‌نماید. بر اساس آیه‌ی مبارکه، آن‌ها تنها به ابراز احساسات اکتفا نمی‌کنند، بلکه برای خانواده خویشتن دعا می‌کنند.

«بدیهی است که منظور این نیست که تنها در گوشه‌ای بنشینند و دعا کنند؛ بلکه دعا دلیل شوق و عشق درونیشان به این امر است و رمز تلاش و کوشش. مسلماً چنین افرادی آنچه در توان دارند، در تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آن‌ها با اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت، فروگذار نمی‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۱۵، ص ۱۶۷).

در پایان آیه که می‌فرماید: «و اجعلنا للمتقین اماماً»، دعایی بسیار متعالی برای جمع خانواده می‌کند و نمی‌فرماید: «واجعلنی للمتقین اماماً»؛ بلکه امامت و رهبری امت را برای خود و اهل بیت خود می‌خواهد. به‌طور مسلم، این دعا خودسازی و آمادگی آنان برای الگو شدن در میان امت را می‌طلبد. در حقیقت، یک مؤمن با یک برنامه‌ی درازمدت، خود و خانواده‌اش را تربیت می‌کند تا به عالی‌ترین مرتبه از بندگی، یعنی جایگاه عباد الرحمن، دست یابند.

۱.۱.۴. نقش تحکیم خانواده در سعادت انسان

نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری و محمل فرهنگ‌های گوناگون است، تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها مرهون رشادت و ضلالت خانواده می‌باشد. اولین شرط داشتن جامعه سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است.

۲. انجام واجبات الهی

زندگی ایده‌آل در عبودیت و بندگی خداوند است و عبودیت، اطاعت کامل از امر و نهی و دستورات الهی و عمل کردن به آن‌هاست که موفقیت در کسب زندگی ایده‌آل را در پی خواهد داشت. انجام واجبات و ترک محرمات، رعایت حلال و حرام و پیروی از الگوهای دینی و همچنین توکل به خدای بزرگ و توسل به انبیاء الهی از جمله آثار تحکیم بنیاد خانواده هستند.

جهانی شدن، افراد را قادر می‌سازد تا به منابع مختلف علمی و دینی دسترسی پیدا کنند که این امر می‌تواند به افزایش آگاهی و فهم در مورد واجبات الهی منجر شود.

۲.۱. دعا

از جمله آثار تحکیم روابط خانواده، دعای خوب اعضای خانواده در حق یکدیگر است. این دعاها به نوعی در ایجاد محبت و مهربانی بین افراد خانواده و تقویت ارزش‌های انسانی و ایمنی در بین آن‌ها نقش بسزایی دارد، چراکه دعا کننده به نوعی نسبت به کسانی که او را دعا می‌کند، ابراز

علاقه و محبت می‌کند. از این‌رو، به گسترش مهربانی و محبت تأکید شده است، چنان‌که در حدیث قدسی آمده: «خداوند، من مهربانم، خود مهربانی را آفریده‌ام و از آن اسمی را برای خود برگزیده‌ام. هر کس آن را مراعات کند، از او مراقبت و حمایت می‌کنم و هر کس آن را قطع کند، با او قطع رابطه خواهم نمود» (حاکم نیشابوری، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۵۸).

از جمله آثار مثبت و خوب دعا در حق افراد، از جمله اعضای خانواده، این است که دعا باعث مسرت و خوشحالی افرادی می‌شود که در حق آن‌ها دعا می‌کنیم (اصفهانی احمدآبادی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۸۶).

در فرآیند جهانی شدن نیز مردم از سراسر جهان می‌توانند برای مسائل مشترک مانند: صلح، عدالت و محیط زیست دعا کنند؛ چرا که این نوع دعاها به ایجاد همبستگی و همکاری جهانی کمک می‌کنند.

۲.۲. رضای الهی

رضایت و تسلیم در برابر مقدرات الهی یکی دیگر از آثار توجه به تحکیم بنیاد خانواده است. انسانی که راضی به رضای خداوند است، می‌پذیرد که همه حوادث عالم خلقت به اذن و اراده الهی است: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». خداوند به مصالح او و خانواده‌اش آگاه‌تر، خیرخواه‌تر و سعادت‌طلب‌تر است و در راستای رشد انسان‌ها، مسائل مختلفی را پیش‌روی آن‌ها قرار می‌دهد. بنابراین، او به این اطمینان می‌رسد که همه حوادث زندگی فردی و خانوادگی‌اش در جهت خیر و صلاح اوست. در چنین خانواده‌ای، افراد در مقابل حوادث مختلف تسلیم هستند و مسائل را تکامل‌بخش می‌دانند و زمینه سازگاری و مدیریت نوع برخورد با این مسائل را ایجاد می‌کنند. این رضایت و تسلیم موجب می‌شود اختلافاتی که ممکن است در نتیجه ایجاد چنین مشکلاتی در خانواده بروز کند، کمتر شود و افراد حوادث را راحت‌تر حل کنند.

۲.۳. قرب الهی

از نگاه قرآن کریم، هدف نهایی از آفرینش انسان رسیدن به کمال و قرب پروردگار متعال است. البته این هدف به وسیله آزمایش و مکلف شدن انسان‌ها و در نتیجه بندگی خداوند حاصل می‌شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ جن و انس را نیافریدم، جز برای اینکه مرا پرستند و عبادت کنند» (ذاریات، ۵۶). در این آیه چند نکته قابل توجه است: اول اینکه همه انسان‌ها را شامل می‌شود (چه زن و چه مرد) یعنی همه برای بندگی خدا خلق شده‌اند و هدف نهایی از خلقت انسان‌ها اطاعت پروردگار و ستایش اوست. دوم اینکه خداوند متعال از باب رحمت و واسعه خود خواسته تا همه انسان‌ها به وسیله عبادت و

بندگی به کمال و سعادت و قرب به خدا نیل پیدا کنند و در این مسأله بین زن و مرد تفاوتی نیست.

از جمله آثار قرب الهی در میان خانواده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تسلط بر نفس

بینش خاص: به این معنا که انسان در سایه صفا و روشنی دل، بینش خاصی پیدا می‌کند که با آن حق و باطل را به روشنی تشخیص می‌دهد. قرآن می‌فرماید: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا؛ اگر پرهیزگار باشید، خدا به شما نیرویی می‌بخشد که با آن حق و باطل را به خوبی تشخیص می‌دهید» (انفال، ۲۹).

انجام تکالیف و وظایف خود: عمل به وظایف دینی ملاک برتری افراد بر دیگران است. امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ بِمَا إِفْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ؛ کسی که به واجبات الهی عمل کند، او بهترین مردم است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۱).

۲. دوری از گناهان

زیاد شدن صبر و تحمل مشکلات: در این زمینه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «بِأَرَادَةِ هَای صَبُورَانِهِ وَ حَسَنِ یَقِینِ، غَمَّ هَای وَارِدَ بَرِ خُودِ رَا دُورَ سَازِید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۱۱).

شکرگزاری: شکرگزاری از خالق راهی به سوی معرفت او می‌گشاید و پیوند اعضای خانواده را با خدا محکم‌تر می‌کند. شکرگزاری علاوه بر اینکه شناخت بخشنده نعمت‌ها را به دنبال دارد، معرفت نعمت را نیز به همراه خواهد داشت و همین معرفت نعمت، روز به روز این پیوند با خدا را بیشتر و بنده را به خدا نزدیک‌تر می‌کند.

۳. خودشناسی

انسان، یک حقیقت است؛ حقیقتی که دارای ابعاد وجودی مختلفی است. آنجا که می‌گوید: «وزن و شکل من» یا «غذا و رشد من»، درباره بعد جسمی و مادی و طبیعی خویش سخن می‌گوید و آنجا که می‌گوید: «فکر و اندیشه و عقل من»، از ابعاد غیرمادی وجود خویش خبر می‌دهد.

پس انسان‌ها «من»‌ها و «خود»‌های گوناگونی دارند: خود حیوانی، خود نباتی و خود روحانی. آنچه انسان را انسان کرده و بر سایر حیوانات برتری داده، همین روح ملکوتی و نفخه الهی موجود در اوست (امینی، ۱۳۹۵، ص ۱۷). اگر کسی خودش را نشناسد و از عیوب و ضعف‌های خویش و توانمندی‌های بالقوه نفس خویش آگاهی نداشته باشد، هرگز به دنبال خودسازی، تهذیب اخلاق و کسب کمالات انسانی نخواهد رفت (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۶).

در قرآن، آیات بسیاری وجود دارد که انسان را به خودکاوی و توجه به نظام شگفت‌انگیز آفرینش خویش دعوت می‌کند، از

جمله: «انسان باید نگاه کند که از چه چیزی آفریده شده است» (طارق/۵).

اگر با درون‌نگری به ارزش وجودی خویش پی ببریم، شرافت و کرامت خویش را احساس می‌کنیم. یعنی درمی‌یابیم که پستی با چنین موجود برجسته‌ای سازگار نیست؛ دروغ، نفاق و ذلت، با آن سازگار نیست. اما گاهی انسان، بر اثر جهل و غفلت از هویت انسانی خود، به ناهنجاری‌ها تن می‌دهد و اسیر هوا و هوس می‌گردد (مطهری، ۱۳۸۲، صص ۲۲۲ و ۲۳۵). خداوند در مورد آفرینش انسان می‌فرماید: «هنگامی که آدمی را آفریدم، از روح خودم در آن دمیدم، پس شما (ملائک) به سوی سجده کنید» (حجر/۶).

خودشناسی باعث می‌شود که انسان، بیش از حد و لیاقت، چیزی نخواهد و پا را از گلیم خود فراتر نهد و یا بلندپروازی‌های بی‌بنید نکند. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «هر که قدر خود را بشناسد، مردم او را گرامی می‌دارند و هر که از حد خود خارج شود و حریم‌ها را رعایت نکند، مردم او را سبک می‌شمارند و به او اهانت می‌کنند» (حر عاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۴۲۵) و «کسی که به ارزش خود قانع باشد، منافع او پایدارتر است» (شریف رضی، ۱۳۷۸، نامه ۳۱).

خودشناسی هرگز بدون آگاهی بر عیوب و ضعف‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. چنین شناختی به ما این امکان را می‌دهد تا در جهت رفع عیوب خود تلاش کنیم، گرفتار خودپسندی نشویم، در برخورد با مشکلات زندگی منطقی رفتار کنیم و ضعف‌های خود را نیز مدنظر داشته باشیم. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «نسبت به خودت جاهل مباش؛ زیرا هر کس که نسبت به خودش جاهل باشد، نسبت به همه چیز جاهل خواهد بود» (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۳۹۲، ح ۱۰۳۷۷).

۴. عزت نفس

عزت نفس و مناعت طبع، ترکیب‌کننده و تکامل‌تدریجی خودشناسی به شمار می‌رود و درجه‌ای از باور و اعتقاد افراد است. سرچشمه عزت، خدای تبارک و تعالی است و هر عزتی از او سرچشمه می‌گیرد و غیر از آن، همه ذلت محض است. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ و عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است» (منافقون، ۸).

زمانی که انسان با دید دینی و بینش اسلامی در زندگی گام بردارد و به‌صورت قلبی و عملی تجلی‌گر این ارزش‌های ظلم‌ستیز و تعالی‌بخش باشد، سبک زندگی اسلامی را تسهیل می‌بخشد. در کل، بین سبک زندگی اسلامی و عزت نفس بر مبنای آموزه‌های اسلامی ارتباطی متقابل وجود دارد. هم ارتقای عزت نفس انسان با تکیه بر ارزش‌های اسلامی منجر به تسهیل سبک زندگی اسلامی می‌شود و هم سبک زندگی اسلامی متکی بر ایمان و عمل به آموزه‌های دینی، اقتدار افراد را بالا می‌برد.

۵. آرامش روانی

در اندیشه اسلامی، محبت الفبای زندگی خانوادگی است و استحکام بنای خانواده بر پی‌ریزی آن بر اصل محبت استوار است. محبت و ارضای نیازهای عاطفی، بنای زندگی را استوار و روابط همسران را ریشه‌دار می‌سازد. در سایه دوستی‌ها، احساس اطمینان به یکدیگر بیشتر شده و کانون خانواده گرم‌تر می‌شود؛ در نتیجه آرا مش و سکون که رحمت بزرگ پروردگار است، در آن استقرار می‌یابد.

خداوند در آیه ۲۱ سوره روم، از یک سو، آرامش روانی همسران را به‌عنوان هدف ازدواج بیان کرده و از سوی دیگر، از دوستی و مهربانی به‌عنوان کارکرد آن یاد می‌کند: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و میانتان دوستی و رحمت نهاد» (روم/۲۱).

وجود روابط عاطفی همراه با مهر و محبت و صمیمیت، نقش بسزایی در سلامت جسمی و روانی همسران ایجاد می‌کند. در مقابل، شدیدترین استرس‌ها مربوط به از هم گسیختگی روابط خانوادگی می‌شود.

قرآن کریم در توصیف رابطه نزدیک زن و مرد از کنایه‌ای زیبا استفاده می‌کند که می‌توان نکته‌های ظریفی از آن برداشت نمود: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید» (بقره/۱۸۷). لباس کارکردهای متنوعی دارد. بدن انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد با اشیاء حفظ می‌کند، عیب‌های بدن را می‌پوشاند و بدن را زینت می‌دهد. همسران نیز همانند لباس، یکدیگر را از انحرافات حفظ می‌کنند، عیب‌های یکدیگر را می‌پوشانند، وسیله راحتی و آرامش یکدیگر را فراهم می‌کنند و هر یک زینت یکدیگر می‌آید (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۶۵۰).

در فرآیند جهانی شدن از جمله جنبه‌های مثبت آرامش روانی، جهانی شدن دسترسی به اطلاعات و منابع مربوط به سلامت روان است که افراد می‌توانند به راحتی به مشاوره آنلاین، منابع اطلاعاتی و گروه‌های حمایتی دست یابند

۲.۴. توجه به تعادل بین زندگی شخصی و حرفه‌ای

در جوامع امروزی، موازنه بین زندگی شخصی و حرفه‌ای به یکی از چالش‌های اساسی مردم تبدیل شده است. هماهنگی بین زندگی کاری و زندگی خانوادگی از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی و رضایت شخصی افراد دارد. این موازنه می‌تواند از طریق تعیین اولویت‌ها، ایجاد انعطاف‌پذیری در محل کار و مراقبت از خود، بهبود یابد و اثرات مثبتی بر روابط خانوادگی و بهره‌وری ارتباطی داشته باشد. تعادل کار و زندگی باعث افزایش رضایت شخصی و حس خوشبختی می‌شود. افرادی که

توانسته‌اند این تعادل را حفظ کنند، از روند زندگی خود لذت می‌برند و احساس بهبود و سلامتی می‌کنند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم در این باره فرموده‌اند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ؛ بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهترین باشد» (کریمی، ۱۳۸۶، ح ۱۵۲۰). این نشان‌دهنده لزوم ایجاد توازن میان وظایف کاری و زمانی است که باید به خانواده اختصاص داده شود. در مقابل، تعارض بین کار و زندگی منجر به کاهش رضایت شغلی، تعهد عاطفی، عملکرد شغلی، رضایت از زندگی و افزایش ترک کار، نارضایتی زناشویی، سوء مصرف الکل و استرس می‌شود و عموماً سلامت روان‌شناختی را به مخاطره انداخته و افسردگی را افزایش می‌دهد (ر.ک مقاله بررسی رابطه بین حجم کار، کنترل بر کار و تعادل کار-زندگی؛ مجید صفاری‌نیا؛ وحیده صالح میرحسینی؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲).

۵.۲. تقویت ارتباط خانوادگی

روابط خانوادگی، یکی از مهم‌ترین و مقدس‌ترین ارتباطات در زندگی افراد است. خانواده، جایی است که اعضا به هم نزدیکتر می‌شوند و با یکدیگر ارتباطات قوی‌تری دارند. در یک خانواده قوی، اعضا به یکدیگر به‌عنوان دوست و همراه اعتماد کرده و با هم احساسات، تجارب و خاطرات خود را به اشتراک می‌گذارند.

در یک خانواده قوی، اعضا به هم کمک می‌کنند و در زمان‌های دشوار و بحرانی هم‌بستگی و همدلی به نمایش می‌گذارند. این ارتباطات محکم و پایدار، به اعضای خانواده احساس امنیت و ثبات می‌دهد و به آن‌ها انرژی و آرامش می‌بخشد. روابط خانوادگی همچنین به اعضای خانواده کمک می‌کند تا به همدیگر احترام بگذارند و با یکدیگر به شیوه‌های مختلفی برخورد کنند. این روابط به اعضای خانواده کمک می‌کند تا به مسائل خانوادگی با هم فکر کنند و به دنبال راه‌حل‌های مشترک بگردند.

بهترین راه برای تحکیم روابط خانوادگی، بهبود ارتباطات و تعاملات بین اعضا و ایجاد فرصت‌های بیشتری برای با هم بودن است. تجربه تعامل با یکدیگر و حمایت از یکدیگر، به تحکیم روابط خانوادگی کمک می‌کند و باعث ایجاد خانواده‌ای قوی، پایدار و موفق می‌شود. خداوند متعال رفتارها و برخوردهای صحیح انسانی را در خانواده با «حُسن معاشرت» معرفی می‌فرماید و از مرد و زن، رعایت آن را با میزان «معروف»، یعنی رفتاری پس‌ندیده و انسانی می‌خواهد: «وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»؛ «و با آن‌ها سخن شایسته بگویید» (نساء/۵)؛ «وَعَاشِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ»؛ «و با آنان به‌گونه شایسته رفتار کنید» (همان/۲). در این رابطه امام

رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «صَلُّوا فِي عَشَائِرِكُمْ وَ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ»؛ «هم با اقوام و قبایلتان و هم با خویشان خود ارتباط و صله رحم داشته باشید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۴۸).

در فرآیند جهانی شدن، از جمله آثار مثبت این ارتباط، امکان ارتباط از راه دور، مثلاً از طریق پیام رسان ها و رسانه های اجتماعی با یکدیگر در ارتباط باشند.

۲.۶. خودباوری و اعتماد به نفس

اعتماد به نفس به معنای اعتماد و اطمینان شخص به خود، توانایی‌ها و ارزشهایی است که دارد. این ویژگی مهم در تحکیم بنیاد خانواده، تلاش برای رسیدن به اهداف، و در کل زندگی روزمره تأثیرگذار است. افرادی که اعتماد به نفس دارند، احساس می‌کنند که قادر هستند با چالش‌ها و مواقع دشوار مقابله کنند و به موفقیت دست پیدا کنند. آن‌ها به قدرتها و توانایی‌های خود اطمینان دارند و معمولاً متعهد هستند تا به اهدافشان برسند.

باید توجه داشت که اعتماد به نفس باعث می‌شود فرد با وجود مشکلات و موانع، نهراسد و از سعی و تلاش خود نکاهد. او موانع را تجربه‌هایی می‌بیند تا راه‌های خطا را با آن‌ها بشناسد و با تغییر دادن مسیر به اهداف دلخواه نزدیک شده و به آن‌ها دست یابد. همچنین، اعتماد به نفس شخص را در موقعیتی قرار می‌دهد که به راحتی تسلیم شرایط نشود، از خواست و اهداف خود صرف‌نظر نکند و با خودباوری از توانمندی‌های خود جهت نیل به اهداف بهره گیرد.

شخصی که با اعتماد به نفس است به خود احترام می‌گذارد و به همین دلیل از احترام گذاشتن به دیگران دریغ نمی‌ورزد. او با اعتماد به داشته‌های خود و با داشتن همت بلند، با برداشتن گام‌های استوار، اهداف بلند را تعقیب می‌کند. تلاش و کوشش چنین شخصی این است که دائماً عیب‌ها و نقص‌های خود را رصد کند تا آن‌ها را بکاهد و نیز نقاط قوت خود را بشناسد تا آن‌ها را تقویت کند. زمانی که شخص به خودارزشمندی می‌رسد، می‌تواند با حوادث کنار بیاید و به خود قوت قلب می‌دهد و با کسب تجربه از خطاهای گذشته سعی دارد خود را نشان دهد.

همچنین باید چنین بیان کرد که اعتماد به نفس موجب می‌شود شخص بتواند گذشت از دیگران را تجربه کند، دیگران را تمسخر نکند، با خود و دیگران دشمنی نکند، نقص‌های دیگران را برجسته نکند و مهربان و خوش‌ذهن باشد (فعالی، مقاله، خودباوری؛ چالش‌ها و راهکارها با تأکید بر نگرش دینی و پژوهش‌های اخلاقی، شماره چهارم، ص ۱۳۹۴، ۵۴).

در عصر جهانی شدن، خودباوری و اعتماد به نفس، بستگی به شرایط فرد، زمینه فرهنگی و اقتصادی و نحوه تعامل با تغییرات جهانی دارد.

۷.۲. تربیت فرزندان

پدر و مادر باید توجه ویژه‌ای نسبت به تربیت فرزندان داشته باشند؛ بنابراین نباید عشق و علاقه به فرزندان، والدین را از تربیت درست غافل سازد. خداوند در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نور، به والدین سفارش می‌کند تا در تربیت فرزندان کوشا باشند و مسائل مهمی چون آداب زندگی و ریزه‌کاری‌های آن را بیاموزند.

در این رابطه، امام سجّاد (علیه السلام) در رساله حقوق فرمودند: «حقّ فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر دنباله‌روی توست و به‌درستی که تو در تربیت نیکو و راهنمایی به سوی پروردگار و یاری‌رسانی او در فرمان‌پذیری از خداوند نسبت به خویشتن و حقّ فرزندت پرسیده خواهی شد. پس اگر وظیفه‌ات را به انجام رسانی، پاداش می‌گیری و چون کم‌کاری کنی، بازخواست خواهی شد. پس کار فرزندت را چونان کسی که کارش را در این سرای زودگذر با نیکو ثمری بیاراید، انجام بده و در روابط تو و فرزندت به سبب نگهداری خوب و ثمر الهی که از او گرفته‌ای، نزد پروردگارت عزت پذیرفته است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۵۴، ج ۱۲، صص ۷۶-۷۵).

خداوند در آیات سوره تحریم روی سخن را به همه مؤمنان کرده و دستورهای درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آن‌ها می‌دهد. نخست می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید» (تحریم/۶).

نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است و نگهداری خانواده به تعلیم، تربیت، امر به معروف، نهی از منکر و فراهم ساختن محیط پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج و آنگاه نخستین لحظه تولّد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر، حقّ زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی، مسکن و تغذیه آن‌ها حاصل نمی‌شود؛ مهم‌تر از آن، تغذیه روح و جان آن‌ها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است.

تربیت فرزندان در عصر جهانی شدن، نیازمند توجه به فرصت‌ها و چالش‌های جدید است. والدین باید با آگاهی از تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، در تربیت، آن‌ها را برای زندگی در یک دنیای پیچیده و چند فرهنگی آماده کنند.

۸.۲. عفت جنسی

از دیگر آثار مثبت تحکیم بنیاد خانواده، پاسداری از حریم خانواده است که بر زن و مرد لازم است. داشتن عفت و حجاب نیز بر هر دو ضروری است. قرآن می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو چشمان خود را از نامحرم فرو بندند و دامن خود را از گناه باز دارند... و به زنان مؤمن نیز بگو چشمان خود را از نگاه‌های هوس‌آلود بازگیرند و دامن خود را از گناه حفظ کنند و زینت‌های خود را در مقابل نامحرمان نمایان نسازند» (نور/۳۰).

اما حفظ عفت و رعایت حجاب در مورد زنان ویژگی‌های خاصی دارد که شایسته است آنان برای پاسداری از حریم خانواده‌ها حتماً در پوشش حجاب و عفاف باشند. از منظر آیات وحی، حفظ حجاب برای زنان آنچنان اهمیت دارد که حتی نوع پوشش، آهنگ صدا، آرایش‌های او و نکات ریز دیگری نیز به صراحت در قرآن آمده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «بهترین زنان شما آن زنی است که چون با همسرش خلوت کند زره حیا را از خود دور سازد و چون از خلوت شوهرش بیرون آید، زره حیا را بر تن کند و حجاب و عفت خود را که نشانه حیا اوست کاملاً رعایت نماید. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مورد بانوان شایسته صفاتی را برشمرده که از جمله آن‌ها آرایش برای همسر و پوشش کامل از دیگران است» (حر عاملی، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ص ۲۹). اما در عصر جهانی شدن با افزایش دسترسی به اینترنت و رسانه‌ها، افراد به راحتی می‌توانند به محتوای جنسی و روابط انسانی دسترسی پیدا کنند و بی‌تردید این نوع دسترسی‌ها می‌تواند به تغییر در نگرشها و رفتارها نسبت به عفت جنسی گردد.

۹.۲. جلب رضایت شوهر

زن باید در زندگی مشترک به دنبال جلب محبت همسر خود، آرامش، صفا و صمیمیت باشد و در گرفتاری‌ها و سختی‌های زندگی همسرش را یاری نماید و از هیچ گذشته‌ی دریغ نورزد. او باید به همسر خود احترام بگذارد و عیب او را بپوشاند و با درآمد او مدارا کند و در همه‌ی موقعیت‌های زندگی متعهد و وظیفه‌شناس باشد و به خاطر اعمال سلیقه‌های خود، همسرش را سرزنش نکند و او را وادار به انجام کارهای طاقت‌فرسا نکند. مردی نزد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم) آمد و عرض کرد: «من همسری دارم که چون به منزل روم به پیشواز من آید و چون بیرون روم مرا بدرقه کند، و هرگاه مرا اندوهگین بیند، پرسد چه چیز تو را غمگین ساخته است. اگر برای روزی است که آن به عهده تو نیست و دیگری آن را به عهده گرفته و اگر راجع به امور آخرتی است، پس خداوند بر اندوهت بیافزاید». رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم)

فرمود: «آری، خداوند را کارگزارانی است و این زن یکی از آنان است و او نصف اجر شهید را خواهد برد» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۹).

۱۰.۲. خوش اخلاقی

رعایت اخلاق از دیگر آثار مورد توجه در تحکیم بنیاد خانواده است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. منظور از حسن اخلاق در اینجا، رفتارها و تعامل‌های مناسب در زندگی و سازگاری و مدارا با افراد است، زیرا پایبندی به اصول اخلاقی نیرومندترین عامل درونی برای کنترل افراد از دست زدن به اعمال غیرانسانی به شمار می‌رود. اگر همسران از فضایل اخلاقی مانند صداقت، احترام، گذشت، نرم‌خویی و انصاف بهره‌مند باشند، به سادگی از بسیاری از تنش‌ها، بدرفتاری‌ها، خشونت‌ها و اختلافات ویرانگر مصون خواهند ماند؛ از این‌رو، اسلام از بین معیارهای متعدد گزینش همسر، تأکید ویژه‌ای بر حسن خلق فرد نموده است. در حدیثی آمده است: شخصی در نامه‌ای به امام رضا نوشت: «فردی به خواستگاری دخترم آمده که بد اخلاق است». امام در پاسخ فرمودند: «اگر بد اخلاق است، دخترت را به او نده» (حر عاملی، ج ۲۰، ص ۱۱۹). قرآن کریم به مردان دستور می‌دهد با همسران خود به شایستگی رفتار کنند: «و عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ با همسران خود به شایستگی و نیکویی معاشرت نمایید» (نساء/۱۹). در برخی از روایات نیز پاداش‌های معنوی فراوانی برای حسن خلق در خانواده بیان شده است؛ امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که رابطه‌ی خود و خانواده‌اش را نیکو گرداند» (همان).

در عصر جهانی شدن توسعه اخلاق جهانی، می‌تواند به ترویج یک اخلاق جهانی کمک کند که در آن توجه به دستورات الهی و اصول انسانی داشته باشد.

۱۱.۲. علاقه و محبت میان اعضای خانواده

انسان تشنه دوستی و محبت است. انگیزه بسیاری از تلاش‌ها و زحمات طاقت‌فرسای زندگی، محبت است و وجود آن در خانواده، انسان را به فعالیت و کسب معاش وامی‌دارد. حفظ حرمت و شخصیت دیگران، در گروی احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد. رعایت این مسأله، به‌ویژه از سوی کسانی که با هم انس و الفتی دارند، باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است. در واقع، اخلاق نیک به مثابه روغنی است که از سایش و فرسودگی قطعات انسانی در اثر برخورد و اصطکاک مداوم جلوگیری می‌کند. امام صادق (علیه السلام) بر کوشش در مهرورزی نسبت به برادران دینی تأکید نموده است و چه نیکوست که این امر از خانواده آغاز گردد: «شایسته است

مسلمانان در یاری بر مهرورزیدن به هم کوشا باشند که خدای عزّ و جلّ فرموده است: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۶). مهر و محبت اعضای خانواده به هم سبب جلب رضایت و رحمت خدا می‌شود که بدیهی است چنین خانواده‌ای پایدار و سعادت‌مند است. امام سجّاد (علیه السلام) در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حقّ همسرت آن است که بدانی خداوند عزّ و جلّ او را مایه سکون و همنشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرامی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هرچند حقّ تو بر او بیشتر است، اما حقّ او بر تو این است که با او مهربانی کنی» (حرّانی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۲).

۱۲.۲. چشم‌پوشی و گذشت

گذشت عاملی مؤثر در ایجاد و تقویت دوستی‌ها و روابط حسنه است و یکی دیگر از آثار تحکیم بنیاد خانواده می‌باشد؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «هرگز نیکی و بدی یکسان نیست. بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است» (فصلت/۳۴). لذا اگر در دشمنی‌ها، گذشت و بزرگواری چنین تأثیری می‌گذارد، بدیهی است که در خانواده که به‌طور طبیعی روابط دوستانه وجود دارد، عمیقاً کارساز خواهد بود. اما خود این گذشت‌ها و بزرگواری‌ها از ایمان و تقوای اعضای خانواده سرچشمه می‌گیرد. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: «همانا آنان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد» (آل عمران/۱۳۴). همچنین رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم) در ارتباط با قبول عذر دیگران چه زیبا فرمودند: «اگر برادر کسی برای عذرخواهی پیش وی آید، باید عذرش را بپذیرد وگرنه با من بر حوض وارد نشود» (متقی، ۱۳۷۴، ج ۷۰۳۰).

۱۳.۲. قناعت

قناعت نیز یکی دیگر از آثار تحکیم خانواده است. اگر اعضای خانواده، به ویژه زن و شوهر، به مقدار درآمدی که با تلاش به دست آورده‌اند، راضی و قانع باشند و به طمع مال‌اندوزی خود و دیگران را به زحمت نیاندازند، به اندوه و رنج کمتری دچار خواهند شد و زندگی آنان دارای استواری و استحکام بیشتری است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هر کس که به روزی قسمت شده‌ی خود قانع باشد، خود را از اندوه و درد و رنج و خستگی مفرط رهایی بخشیده است» (نوری، ۱۳۶۹، ج ۱۵، ص ۲۲۵). اعضای خانواده برای ایجاد حالت قناعت در خود، باید به خانواده‌هایی که در سطح مواهب مادی پایین‌تری هستند توجه

کنند و خود را با خانواده‌های با سطح بالاتر مادی مقایسه نکنند؛ زیرا چیزی جز حسرت خانمان‌سوز نصیبشان نمی‌شود. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «بالاترین بی‌نیازی، قناعت است. همچنین به مردی موعظه فرمود: به آنچه که خدا روزیت کرده قانع باش و به چیزهایی که نزد دیگران است چشم ندوز و آروزی چیزی که به آن دسترسی نداری، از دل بیرون کن؛ چون هر کس که قناعت ورزید سیر و بی‌نیاز شد و هر کس که قناعت نورزید و طمع کرد، سیر نمی‌شود و همیشه خود را نیازمند می‌پندارد» (همان، ص ۲۲۳).

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «از چشم دوختن به زندگی افراد با امکانات مادی بیشتر، به شدت پرهیز. چه بسیار خداوند به پیامبرش فرمود: مبادا تو از کثرت اموال و اولاد آن‌ها در شگفت آیی. و فرمود: و هرگز به متاع ناچیزی که به قومی از آنان (قوم کافر و جاهل) در جلوه حیات دنیا فانی برای امتحان داده‌ایم چشم آرزو مگشا، و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده‌تر است. پس اگر از زندگی پر زرق و برق آن‌ها کدورتی برایت حاصل شد، زندگی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم) را به یاد آور که همیشه نانش فقط از جو و شیرینی‌اش فقط خرما بود و تشک او از شاخه‌های درخت خرما خشک‌شده بود، آن هم اگر یافت می‌شد» (همان).

۲.۱۴. تأمین نیاز جنسی

از نظر اسلام، همسر دوستی و رابطه جنسی و نیاز غریزی انسان‌ها به جنس مخالف، تدبیری خدایی است که سبب‌ساز پیوند زن و مرد و در نتیجه، استمرار نسل بشر است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱)؛ ای مردم، بترسید از عصیان پروردگار خود؛ آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت. از این سنخ آیات استفاده می‌شود که غریزه جنسی باعث تداوم نسل انسان است. از عبارت «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» به خوبی استفاده می‌شود که انتشار افراد و تداوم نسل انسان، بر اثر رفتارهای جنسی و ارتباط دو همسر می‌باشد و رابطه زناشویی به منظور تکثیر نسل در متن خلقت قرار داده شده است (مصباح، ۱۳۲۴، ج ۲، ص ۲۴۱). چیزی که فطری انسان و طبیعت خلقت بشر است، به خودی خود نمی‌تواند ارزش منفی داشته باشد.

در روایات اسلامی نیز با اشاره به غریزه جنسی انسان‌ها، بر ارزش مثبت داشتن آن تأکید شده است. در برخی از روایات، علاقه به زنان از جمله اخلاق پیامبران و از

نشانه‌های ایمان و نیز به عنوان نور چشم پیامبر و لذت‌بخش‌ترین چیزها معرفی شده است (حر عاملی، ج ۱۴، ص ۱۰). در نگاه اسلام، رفتارهای جنسی انسان، قانونمند است و از قواعد رفتاری خاصی پیروی می‌کند؛ زیرا در رفتارهای جنسی هدف آن است که هم نیازهای فطری انسان پاسخ داده شود و هم این رفتار متناسب شأن انسانیت باشد تا زمینه تعالی و رشد معنوی انسان فراهم گردد، نه اینکه چون حیوان پاسخی باشد به یک غریزه کور و عاری از رشد اخلاقی و تدبیر انسانی. توجه به مصالح فردی و اجتماعی انسان‌ها، اسلام را بر آن داشته است که برای رفتارهای جنسی انسان، حیطة و حوزه خاصی را قائل شود به نام نظام ازدواج و تشکیل خانواده. از این‌رو، در نگاه اسلام، قالب کلی محدودیت‌های اجتماعی در ارضای غریزه جنسی، همان ازدواج قانونی و شرعی است که باید رفتارهای جنسی در این چارچوب محدود شود تا با دیگر مصالح انسانی تضاد نداشته باشد. اما در فرآیند جهانی شدن و گسترش فناوری اطلاعات امکان دسترسی به منابع آموزشی در زمینه سلامت جنسی و نیازهای جنسی را فراهم می‌کند که این آموزش‌ها می‌توانند به افزایش آگاهی و تغییر نگرش‌ها نسبت به نیازهای جنسی کمک کنند.

۳. چالش‌های تحکیم بنیاد خانواده

چالش‌های تحکیم بنیاد خانواده می‌تواند شامل چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گردد:

أ. چالش‌های فرهنگی

جهانی شدن با خود فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و سبک‌های زندگی جدیدی را به جوامع مختلف وارد می‌کند. این امر می‌تواند منجر به موارد زیادی شود، از جمله:

۳.۱. افزایش طلاق

از جمله چالش‌های تحکیم خانواده، افزایش طلاق است. طلاق شوم‌ترین سرنوشتی است که ممکن است برای یک خانواده رقم بخورد. با این وجود، گاه گریزی از آن باقی نمی‌ماند. با طلاق، علقه ازدواج میان زن و شوهر قطع می‌شود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «ما من شیء مما احلّ الله عز و جل أبغضَ إليه من الطلاق»؛ «هیچ چیز در میان حلال‌ها نزد او منفورتر از طلاق نیست» (حر عاملی، ۱۳۸۶، ج ۱۶، ص ۲۶۶). این پدیده یکی از مسائل اجتماعی عصر ماست که امروزه کمتر کسی در مورد مشکل و معضل بودن آن شک می‌کند. میزان بالای طلاق در جوامع امروزی جامعه‌شناسان را به کنکاش در مورد عوامل مؤثر بر آن واداشته تا مکشوف گردد که چه چیزی موجب چنین تغییری در نرخ طلاق گردیده است. از جمله عوامل آن می‌توان به عوامل قانونی، عوامل روان‌شناختی،

ناپختگی و عدم بلوغ اجتماعی، اختلالات عاطفی-روانی، توقعات بیجا، چشم و هم‌چشمی‌ها، ابتلا به اعتیاد، بیکاری، ناباروری، مسائل جنسی، فاصله طبقاتی و رتبه‌های تحصیلی اشاره نمود (ر.ک، کریمی، سحر، مقاله علل و عوامل طلاق در جامعه و جنبه‌های مختلف آن، منبع: پژوهش ملل، دوره اول، ش ۱، دی ماه ۱۳۹۴).

۲.۳. خانواده‌های تک‌والدی

ازدواج و تشکیل خانواده، پیمانی مقدس و الهی است که بین زن و شوهر و بر اساس فطرت خدایی و امر خداوند متعال صورت می‌گیرد. مهم‌ترین اهدافی که در ازدواج مورد توجه است؛ رسیدن به سکون و آرامش، شکوفایی عواطف و احساسات، تأمین نیازهای جنسی، حفظ نوع و نسب، جلوگیری از انحرافات اخلاقی و بیماری‌ها، رسیدن به تمامیت شخصیت و تکمیل و تکامل، تعاون و همکاری، و پاسخ به ندای فطرت است. در برابر این نوع از خانواده، امروزه گاهی خانواده‌هایی نیز ایجاد می‌شوند که یکی از والدین فوت شده یا طلاق رخ داده و فرزند یا فرزندان در خانواده‌های ناقص یا تک‌والدی زندگی می‌کنند.

خانواده‌های تک‌والد به معنای زندگی کردن یک والد و یک یا چند فرزند می‌باشد. در این خانواده‌ها طبیعتاً هیچ کدام از اهداف ازدواج محقق نمی‌شود و علاوه بر آن والد و فرزندان با مشکلاتی مواجه می‌شوند. از جمله مشکلاتی که فرزندان این خانواده‌ها با آن روبه‌رو می‌شوند، این است که ممکن است به دیگر دوستان خود به دلیل اینکه همراه با پدر و مادرشان زندگی نمی‌کنند، احساس حسادت کنند و همین امر می‌تواند آن‌ها را به انزوا و تنهایی بکشاند. ایجاد رابطه عاطفی جدید برای والد ممکن است دشوار باشد، به‌خصوص اگر فرزند احساس حسادت و شکاک بودن را داشته باشد. مسئولیت‌های مختلف تربیت فرزند، کارهای خانه و کسب درآمد، به والد وقت کافی برای رسیدگی به خود را نمی‌دهد. این امر موجب افزایش استرس و تنش، خستگی و فشار بیش از حد برای او می‌شود و او را بی‌حوصله و تحریک‌پذیر می‌کند و بر روابط و تعاملات شخص با فرزندان تأثیرات منفی دارد. از جمله مشکلاتی که فرزندان این خانواده‌ها با آن مواجه می‌شوند این است که: دست تنها بودن مادر یا پدر ممکن است باعث شود که فرزند بیش از معمول به والد خود کمک کند و همین امر او را از معاشرت و بازی با همسالان و دوستان خود باز می‌دارد. گاهی اوقات، ممکن است کودکان نتوانند درک کنند که والدشان برای رفع نیازهای عاطفی و اجتماعی به برقراری ارتباط عاطفی مجدد نیاز دارد و همین امر نیز می‌تواند باعث ایجاد مشکلاتی در خانواده شود (ر.ک مقاله مشکلات رفتاری دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌والدی و دو والدی

از دیدگاه معلمان، جمعی از نویسندگان، فصلنامه سلامت روانی کودک، دوره دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵).

۳.۳. ازدواج‌های بین فرهنگی

در دنیای امروز، با افزایش مهاجرت و ارتباطات بین‌المللی، ازدواج‌های بین فرهنگی به امری کاملاً رایج تبدیل شده است. این ازدواج‌ها اگرچه می‌توانند فرصت‌های جدیدی را برای زوجین فراهم آورند، اما می‌توانند چالش‌های فرهنگی خاصی را نیز ایجاد کنند. اختلاف فرهنگی در ازدواج می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند مذهب، مسائل اخلاقی و سیاسی، ارزش‌ها، آداب و رسوم، سبک زندگی، انتظارات از زندگی مشترک، نحوه تربیت فرزند، نحوه معاشرت با یکدیگر و... بروز کند و سبب کاهش رضایت از زندگی مشترک و افزایش خطر طلاق شود.

۳.۴. تضعیف نقش والدین

حمایت و مراقبت، هدایت و نظارت، از کارکردهای مهم والدین است. در بُعد حمایتی، دستکم دو وظیفه‌ی مهم بر عهده‌ی والدین است: حمایت مالی از فرزندان (در صورت نیاز) و همچنین کمک به آن‌ها در انتخاب همسر و تشکیل خانواده (نجفی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶).

نظارت بر رفتار فرزندان مکمل وظایف حمایتی و هدایتی والدین است. در کنار حفاظت و حمایت از فرزندان و هدایت آن‌ها در راستای زندگی سالم و هدفمند، در مراحل گوناگون زندگی، والدین باید از وظایف نظارتی خود غافل نشوند؛ چرا که همین هدایت و نظارت است که انسجام و سلامت خانواده را تضمین خواهد کرد.

در دیدگاه اسلامی، در مقوله‌ی تربیت فرزندان، اصل اعتدال و میانه‌روی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. به موجب این اصل، توجه و رسیدگی به فرزندان در ابعاد مختلف، هرچند جزء وظایف والدین است، نباید به افراط کشیده شود. به این معنا که اولاً والدین نباید به خاطر فرزندان‌شان نسبت به اهداف و نیازهای شخصی خود و همچنین نسبت به نیازهای متقابل زناشویی، کوتاهی و کم‌توجهی کنند. ثانیاً توجه بیش از حد به فرزندان و حمایت صرف از آنان منجر به آسیب‌های جدی در آینده‌ی فرزندان و خانواده خواهد شد. همچنان که حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «بیشترین همت خود را صرف خانواده و فرزندت نکن، زیرا اگر آنان از دوستان خدا باشند، خداوند دوستانش را رها نمی‌کند تا از دست بروند و اگر دشمن خدا باشند، چرا باید دل‌نگران دشمن خدا باشی؟!» (رضی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۸۲).

اما در جامعه‌ی امروز، ما با نوعی تحول گفتمانی مواجهیم. تغییر از گفتمان خانوادہ‌گرایی به سمت گفتمان فردگرایانه. تحول به تعبیر رهبر انقلاب مانند هوایی است

که همه از آن تنفس می‌کنند و امروزه همه‌ی خانواده‌های ایرانی در معرض این تغییر و تحول هستند و عوامل مختلفی، اعم از رسانه‌ها، عوامل سیاسی، اقتصادی و... در این تحول نقش داشته‌اند.

از این رو، در خانواده‌های امروزی، غالباً سبک حمایتی صرف دیده می‌شود و خانواده‌ها نقش‌های هدایتی و نظارتی خود را کمتر ایفا می‌کنند. این امر سبب کاهش اقتدار والدین، فرزندسالاری و آسیب‌های اجتماعی شده است. شاید بتوان گفت در این تحول، نهادهای تبلیغی و فرهنگی، بیشترین نقش را داشته‌اند. در حقیقت می‌توان رسانه‌ها را در بروز این آسیب‌ها بسیار تأثیرگذار دانست؛ چرا که رسانه‌های ملی و فراملی به مجرای برای ورود سبک زندگی غربی به جامعه‌ی اسلامی ما تبدیل شده‌اند.

در غالب فیلم‌ها و سریال‌ها، این پیام را به مخاطب القا می‌کنند که دوران نظارت والدین پایان یافته و آن‌ها فقط باید از فرزندان حمایت کنند؛ همان‌طور که در پست‌مدرن، فرزندان و پدر و مادر کنار هم هستند، حتی پدر و مادر نباید ارزش‌های خود را به فرزندان تحمیل کنند و صرفاً باید مشاوره دهند. متأسفانه این فرهنگ در حال تسری در جامعه‌ی امروز ماست. ب. چالش‌های اجتماعی.

در بینش الهی اجرای حدود الهی یکی از ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین مسایل اجتماعی و از وظایف مهم حکومت اسلامی است. بدون اجرای حدود، دوام و بقای جامعه اسلامی تضمین نخواهد شد و هر نوع تأخیر، تعدیل و تخفیف در آن به مثابه تعطیل قانون الهی و در حقیقت یک نوع نافرمانی در مقابل احکام الهی و اسلامی است. راه اصلاح جامعه، اجرای حدود الهی است.

اما در دنیای امروز، با گسترش جهانی شدن و بحران‌های ناشی از آن، چالش‌های متعددی برای درک و اجرای حدود الهی بوجود آمده است. از جمله تنوع ادیان و باورها ممکن است موجب بروز چالش‌هایی در تفسیر و اجرای حدود الهی گردد.

فشارها و انتظارات اجتماعی از خانواده‌ها برای پاسخگویی به استانداردهای خاصی مانند موفقیت‌های مالی، تحصیلی و اجتماعی می‌تواند باعث استرس و اضطراب در خانواده‌ها شود.

ج. چالش‌های اقتصادی. مشکلات اقتصادی و معیشتی از جمله بیکاری، تورم و هزینه‌های بالای زندگی می‌تواند، تأثیر منفی بر روابط خانوادگی داشته باشد و منجر به تنش و درگیری‌های بیشتر شود.

بیکاری

بیکاری یک معضل اجتماعی است که هم آسیبهای جدی فردی و هم آسیبهای قابل ملاحظه اجتماعی را در دامن دارد. بیکاری بویژه در نسل پر انرژی و جوان که انرژی و قدرت و نیروهای آنها را کد و بی‌مصرف باقی می‌ماند، نمود بیشتری پیدا می‌کند و زمینه را برای انواع انحرافات اجتماعی فراهم می‌سازد. وجود فرصت‌های همیشه خالی، عدم تحمل بیکاری، فقدان قدرت تأمین نیازها به دلیل نداشتن درآمد، زمینه‌هایی آماده برای کاشت بذر جرم و انحرافات می‌باشند.

اعتیاد

اعتیاد، یکی از مشکلات درون خانوادگی است اما نباید شک کرد که آسیب‌ها و گرفتاری‌های درون خانوادگی و مهم‌تر از آن، بسته شدن چتر حمایتی خانواده چه از جهت عاطفی، چه از جهت معنوی و چه مادی، خود یکی از عوامل ایجاد اختلالات روحی و روانی و به تبع آن، اعتیاد به مواد مخدر محسوب می‌شود. اگر درباره معتادان بررسی شود، درصد قابل توجهی از آنها از چتر حمایتی خانواده بهره‌مند نبودند لذا به یقین تقویت نهاد خانواده در ریشه‌کن‌سازی اعتیاد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

نتیجه‌گیری

در پایان، با در نظر گرفتن ابعاد مختلف تأثیرات جهانی شدن بر نهاد خانواده، می‌توان نتیجه گرفت که تحکیم بنیاد خانواده نه تنها یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی است، بلکه یک استراتژی حیاتی برای مواجهه با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های ناشی از این فرآیند پیچیده است. از جمله مهم‌ترین نتایج به‌دست‌آمده در این مقاله:

- کلمه «پیامد» در زبان فارسی به معنای نتیجه یا عواقب یک عمل یا پدیده به کار می‌رود. ترکیب این واژه با کلمات

دیگر منجر به معانی جدیدی مانند پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، و پیامدهای منفی یا مثبت می‌شود.

- اصل واژه «تحکیم» از «حَکَم» به معنای منع و بازداشتن برای اصلاح است. در اصطلاح، معنای بازداشتن و جلوگیری از هرگونه اخلاص‌گری و تباهی را می‌رساند. مقصود از تحکیم خانواده، فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست.

- انجام واجبات، ذکر، دعا، راضی بودن به قضای الهی و رسیدن به قرب الهی، خودشناسی، عزت نفس، تربیت فرزندان، خوشاخلاقی و چشم‌پوشی، از جمله آثار مثبت توجه به تحکیم بنیاد خانواده می‌باشد.

- از نظر اسلام، رفتارهای جنسی تدبیر الهی برای پیوند بشر و استمرار نسل است، اما باید در چارچوب خانواده و هنجارهای دینی به آن پاسخ داده شود.

- در دین مبین اسلام، اساس زندگی خانوادگی بر مودت و رحمت بنا شده است و اعضا وظیفه دارند با رعایت اخلاق و حقوق، زمینه آرامش روانی یکدیگر را فراهم کنند.

- اسلام در رویکرد خود به خانواده تلاش نموده است تا با تعیین جایگاه افراد و توزیع نقش‌ها در خانواده، راه رسیدن زنان و مردان به خوشبختی این‌جهانی و آن‌جهانی را هموارتر کند.

- از جمله مهم‌ترین آثار عدم توجه به تحکیم بنیاد خانواده می‌توان به افزایش طلاق، خانواده‌های تک‌والدی، ازدواج‌های بین فرهنگی و تضعیف نقش والدین اشاره کرد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. ج ۶. ترجمه علی‌اکبر غفاری. تهران: نشر صدوق، ۱۳۶۷.
۲. اصفهانی احمد آبادی، محمد تقی، مکیال المکارم. ج ۱. انتشارات عطر عترت، ۱۳۹۲.
۳. بهشتی، احمد. خانواده در قرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۴. بستان‌نجفی، حسین. خانواده. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۵. جمعی از نویسندگان. دانش خانواده. انتشارات معارف، ۱۳۷۸.
۶. حرّانی، حسن بن علی. تحف العقول. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.

۷. حر عاملی، محمد حسن. وسائل الشیعه. ج ۱۶. انتشارات کتابچی، ۱۳۸۶.
۸. حاکم نیشابوری. المستدرک علی الصحیحین. مؤلف: علیرضا حیدری نسب. ج ۴. انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۰.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات ألفاظ القرآن. بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۰. ساروخانی، باقر. جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش، ۱۳۷۹.
۱۱. سالاری فر، محمدرضا، ۱۳۸۵، مقاله راههای تحکیم خانواده در فرآیند جهانی شدن، حوراء، شماره ۱۹، حوزه تخصصی مطالعات زنان.
۱۲. شریف‌رضی، محمد بن حسین. نهج‌البلاغه. نسخه صبحی صالح. بیروت، ۱۳۸۷.
۱۳. صفاری‌نیا، مجید و میر حسینی، صالح. (۱۳۹۲). مقاله بررسی رابطه بین حجم کار، کنترل بر کار و تعادل کار-زندگی. دوفصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی. سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان.
۱۴. فعالی، محمدتقی. خودباوری؛ چالش‌ها و راهکارها (با تأکید بر نگرش دینی). پژوهش‌های اخلاقی. سال پنجم، شماره چهارم، ۱۳۹۴.
۱۵. قلی‌زاده کلان، فرض الله. ازدواج و احکام آن. نشریه پاسدار اسلام. شماره ۱۸۵، ۱۳۷۶.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب. اصول و فروع کافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب. کافی. محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. ج ۲. دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۸. کریمی، رضا. مترجم: حسین ردایی آملی. ناشر: نسیم حیات، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۱۹. کریمی، سحر. مقاله علل و عوامل طلاق در جامعه و جنبه‌های مختلف آن. پژوهش ملل. دوره اول، شماره ۱، دی‌ماه، ۱۳۹۴.
۲۰. میرمحمدی، داوود. جهانی شدن: ابعاد و رویکردها. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۱۱، ۱۳۸۱.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. تفسیر نمونه. تهران: منشورات دار الکتب الاسلامیه، ج ۱ و ۱۵، ۱۳۵۴.
۲۲. مصباح، محمد تقی. اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری. ج ۲. انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی، ۱۳۲۴.
۲۳. متقی، علی ابن حسام. کنز العمال. انتشارات: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۴. مجلسی، محمدباقر. بحارالأنوار. ج ۸، ۳۰، ۱۵ و ۷۵. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.

۲۵. مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت. انتشارات صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۲.
۲۶. معتمدی شارک، فرزانه، قباری بناب، باقر و ربیعی، علیرضا. مقاله مشکلات رفتاری دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌والدی و دووالدی از دیدگاه معلمان. فصلنامه سلامت روانی کودک. دوره دوم، شماره ۲، تابستان، ۱۳۹۵.
۲۷. نوری طبرسی، حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل. ج ۱۵. انتشارات: آل البيت، ۱۳۶۹.
۲۸. وبسایت. (واژه نامه آزاد، خردادماه ۱۳۹۳). lamtaKam.com.